

عنوان مقاله:

نمادینگی نیلوفر آبی، مضمون مشترک در پهنه جغرافیای فرهنگی عصر هخامنشی و ساسانی

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)، دوره 3، شماره 5 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

نویسندگان:

فاطمه غلامپور درزی - دانش آموخته کارشناسی ارشد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور واحد بابل، بابل، ایران.

عبداله علی اسماعیلی - استادیار گروه علوم تربیتی و روان شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، بابل، ایران.

خلاصه مقاله:

فرهنگ را می توان از مفاهیم نسبتاً جدید در عرصه علوم انسانی در نظر گرفت. ویژگی بارز این مفهوم ارتباط میان هسته های متفاوت فرهنگی است که در نتیجه تعاملات متقابل بشری شکل می گیرد. مهم ترین عنصری که در ایجاد این گونه تعاملات نقش دارد، جغرافیاست؛ چرا که وجود شرایط گوناگون جغرافیایی در پدید آمدن حوزه های متفاوت فرهنگی نقش برجسته دارد. البته این حوزه نوین علوم انسانی و اجتماعی که به مطالعه تاثیر و تاثرات فرهنگی و تعامل و ارتباط میان ساختارهای گوناگون فرهنگ و جغرافیا می پردازد، تحت عنوان جغرافیای فرهنگی قرار می گیرد. شایان ذکر است فرهنگ به عنوان مهم ترین ریشه و آبشخور ادبیات در تعاملی متقابل سبب بالندگی، استقرار و استحکام هویت فرهنگی یک ملت می شود. یکی از ارکان سازنده در ساختار فرهنگی- ادبی تمدن های کهن، وجود نماد به عنوان شاخصه ای مهم در نشانه شناسی یا کنش خاص میان فرهنگی است که می تواند به بازخوانی ذهنی اقوام گوناگون از یک مفهوم واحد منجر شود. در این معنا، نماد فرهنگی گل نیلوفر آبی به عنوان موجودیتی نمادین، مفهومی شاخص دارد. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و تاریخی به تجزیه و تحلیل این نماد کهن فرهنگی ایران در دو عصر هخامنشی و ساسانی پرداخته است. نتایج نشان می دهد نماد نیلوفر آبی از عصر هخامنشیان تا عصر ساسانی بروز و ظهور گوناگون داشته و به عنوان هسته ای نمادین، انبوهی از معانی انتزاعی و مفاهیم خاص ذهنی از جمله صلح جهانی، عبادت، زیبایی، عشق و ... را گرد خود فراهم نموده است.

کلمات کلیدی:

جغرافیا، جغرافیای فرهنگی، نماد، نیلوفر آبی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1033735>

